[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

ارزیابی عوامل مؤثر در ناکامی طرح‌های تجمیع مناطق روستایی

(مطالعه موردی: شهرستان پاوه، بخش نوسود، شهرک شرام)

مهدی طالب *، حسین میرزایی**، عفوات نادری***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۶/۲۳
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹٤/۰۹/۱۸

چکیده

برنامه‌ریزی "توسعه‌روستایی" به‌عنوان یکی از سازوکارهای رسیدن به توسعه، مستلزم شناخت دقیق مقتضیات و نیازهای جوامع روستایی، متناسب با شرایط مختلف می‌باشد. طرح‌های ادغام و تجمیع روستاها به‌عنوان یکی از سیاست‌های مهم در "بازسازی روستاهای مناطق جنگزده" و "برنامه‌ریزی توسعه مناطق روستایی" مطرح گردیده است. در دوران بازسازی مناطق جنگزده طرح ساماندهی "شهرک شرام"، برای تجمیع روستاهای هانی‌گرمله، بیدرواز و کیمنه(استان کرمانشاه، شهرستان پاوه، بخش نوسود، دهستان شرام) تهیه گردید که باوجود برنامه‌ریزی‌های انجام شده، روستاییان ماندن در غربت یا رفتن به روستاهای اصلی و بازسازی نشده خود را بر سکونت در محل تجمیع ترجیح دادند. مسئله اساسی تحقیق حاضر، ارزیابی علل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و کالبدی- فیزیکی ناکامی طرح‌های تجمیع روستایی با تأکید بر طرح تجمیع شهرک شرام می‌باشد. در این تحقیق با توجه به رویکردهای کالبدی- فضایی، اقتصادی و اجتماعی و دیدگاه‌های نظریه پردازان مختلف در رابطه با مسائل ادغام و تجمیع، در صدد تبیین ارزیابی دلایل شکست پروژه‌های تجمیع مناطق روستایی برآمده‌ایم. در ادبیات تحقیق بسیاری از مهمترین منابع در مورد اسکان مجدد و ادغام و تجمیع را مورد بررسی قرار داده‌ایم. تحقیق حاضر از نوع کاربردی و تا حدودی توصیفی بوده و تکنیک مورد استفاده مصاحبه سازمان‌نیافته و در بعضی موارد خاص مشاهده و بررسی اسناد و مدارک موجود بوده است. در قسمت یافته‌های تحقیق بعد از شناسایی علل و عوامل مختلف ناکامی طرح شهرک، مشخص گردیده است برنامه‌ریزی مناسب و استفاده از توانایی‌های روستاییان می‌تواند بستر مناسبی برای موفقیت طرح‌های تجمیع فراهم نماید. بر این اساس می‌بایست برای رسیدن به تفاهم و نقطه نظرات مشترک بین طرفین طرح‌ها، روابط مثبت و سازنده‌ای بین برنامه‌ریزان و روستاییان ایجاد شود و با عنایت به اینکه برنامه‌ریزی اغلب طرح‌های تجمیع با در نظر گرفتن رویکرد کالبدی- فضایی انجام گرفته (و این مورد نیز کم و بیش در تحقیق حاضر نمایان است)، توجه به رویکردهای کالبدی – فضایی، اقتصادی و اجتماعی -فرهنگی غیر قابل اجتناب می‌نماید و عملاً لزوم به‌کارگیری رویکردی جامع در برنامه‌ریزی اینگونه طرح‌ها ضروری خواهد بود.

واژگان کلیدی: ساماندهی، تجمیع، جابجایی، شهرستان پاوه، طرح شهرک شرام.

* استاد گروه توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
** استادیار گروه توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
*** کارشناس‌ارشد مدیریت توسعه. . Afwat12@Yahoo.com

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نویسنده مسئول است که به راهنمایی دکتر مهدی طالب و مشاوره دکتر حسین میرزایی در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه تهران دفاع شده است.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

مقدمه

طرح‌های تجمیع[۱] و ادغام روستاها به‌عنوان یکی از سیاست‌های مهم در مورد بازسازی روستاهای مناطق جنگزده و برنامه‌ریزی توسعه مناطق روستایی مطرح گردیده و بر این اساس بعضی از روستاهای این مناطق در محل یکی از روستاها و یا در محل های جدیدی تجمیع و ادغام شده‌اند. تحمیل ۸ سال جنگ ناخواسته از سوی دولت عراق، باعث تخریب و تحمیل خسارات فراوانی بر بعضی از مناطق کشور و به‌ویژه مناطق مرزی گردید و ساکنین بسیاری از این مناطق را وادار به مهاجرت به سایر نقاط کشور نمود. همزمان با جنگ و در سال‌های بعد از آن جهت بازسازی و اسکان مجدد مردم مناطق جنگزده، سیاست‌ها، استراتژی‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و... بسیاری به‌کارگرفته شد تا در راه این مهم برای مردم مناطق جنگزده آسایش و آرامشی دوباره فراهم آید.

در دوران بازسازی مناطق جنگزده طرح ساماندهی[۲] شهرک شرام[۳] برای تجمیع روستاهای "هانی گرمله[۴]"، "بیدرواز[۵]" و "کیمنه[۶] "(استان کرمانشاه ، شهرستان پاوه[۷]، بخش نوسود، دهستان شرام) تهیه گردید که باوجود برنامه‌ریزی‌ها و کارهای زیر بنایی انجام شده برای این شهرک، استقبالی از آن‌ها به‌عمل نیامد و اهالی بعضی از روستاهای بیدرواز و کیمنه بعد از گذشت بیش از یک دهه از ارائه طرح مذکور هنوز با داشتن حداقل امکانات لازم به زندگی در روستاهای تخریب شده سابق، دلخوش کرده‌اند. بر این اساس مسئله اساسی تحقیق حاضر، ارزیابی علل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و کالبدی- فیزیکی ناکامی طرح‌های توسعه روستایی با تأکید بر طرح تجمیع شهرک شرام می‌باشد.

ادبیات تحقیق

بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ عمران روستایی از سوی نهادهای انقلابی مانند جهاد سازندگی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و... مورد توجه قرار گرفت و در زمینه ارائه بهتر خدمات تلاش‌هایی صورت گرفت، ولی همچنان توسعه نیافتگی جامعه روستایی نسبت به جامعه شهری کاملاً مشهود بود. طرح‌های ساماندهی مناطق روستایی نیز از جمله طرح‌هایی بودند که برای بهبود وضعیت روستاها مورد توجه قرار گرفتند. به‌طور کلی باید گفت که طرح‌های ساماندهی روستایی (در دوران بعد از انقلاب اسلامی) از سال ۱۳٦۸ با طرح ساماندهی جزیره آبادان آغاز گردید. زمینه‌های این طرح‌ها در برنامه دوم توسعه در فصل عمران روستایی تهیه و در طی برنامه سوم توسعه با تجدید نظرهایی که در آن‌ها صورت گرفت نقش خاصی در زمینه عمران و توسعه روستایی به خود اختصاص دادند. طرح‌های ادغام و تجمیع نیز از جمله طرح‌های بودند که درقالب سیاست ساماندهی روستاها قرار می‌گرفتند. « سابقه اجرای سیاست ادغام و تجمیع روستاها در کشور نیز از ابتدا تاکنون این موضوع را نشان می‌دهد که این سیاست نه در شرایط عادی بلکه در شرایط خاص بازسازی مناطق روستایی آسیب‌دیده اجرا شده است. اولین مورد شناخته شده اجرای این سیاست به سال ۱۳٤۷ در بازسازی مناطق زلزله‌زده جنوب خراسان است. پس از آن در سال ۱۳٥٦ نیز در بازسازی مناطق آسیب‌دیده از زلزله در استان چهار محال و بختیاری، سیاست تجمیع و ادغام اجرا گردید. در ادامه بازسازی مناطق آسیب‌دیده از سیل در سیستان و بلوچستان (۱۳۷۰-۱۳۷۱)، بازسازی روستاهای سیل زده در استان فارس (۱۳۷۲)، بازسازی مناطق جنگزده کشور در استان خوزستان طی سال‌های ۱۳٦۸-۱۳۷۲ و طرح

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

تفصیلی و آماده‌سازی محور شلمچه (۱۳۷۳) و بازسازی مناطق زلزله‌زده گیلان و زنجان در سال ۱۳۶۹ نیز مواردی از اجرای سیاست جابه‌جایی[۸]، ادغام و تجمیع روستاها وجود دارد» (رضوانی،۱۳۸۳:۱۸۹).

از جمله مطالعات و تحقیقات انجام شده در این زمینه می‌توان موارد زیر را نام برد:

– ادغام روستاها و دگرگونی‌های اجتماعی – اقتصادی ناشی از آن در روستاهای زلزله‌زده رودبار و منجیل از محمدمهدی رحمتی.

– طراحی روستاهای جنگزده خوزستان از عباس شاکری‌زاده ابیانه و سیدحسن میری.

– ارزیابی نتایج حاصل از اجرای طرح‌های ساماندهی روستایی در کشور (سیستان و بلوچستان) از حسن افراخته.

– بررسی پیامدهای تجمیع روستاهای تخریب شده بر اثر بلایای طبیعی در استان فارس از حسن ایزدی خرامه (افراخته ، ۱۳۷۶).

– روند جابه‌جایی و ادغام روستاها و پیامدهای آن از صباح مرادی (مرادی ، ۱۳۷۶).

به‌طور کلی اهم مواردی که در متون و منابع مورد بررسی مدنظر قرارگرفته اند، عبارتند از:

– قریب به اتفاق این مطالعات برای برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های تجمیع مناطق روستایی (به‌عنوان بخشی از پروژه توسعه روستایی)، فقط یکی از عوامل اجتماعی– فرهنگی، اقتصادی، کالبدی– فیزیکی و... را مورد توجه قرار داده‌اند؛

– بیشتر مطالعات از روش‌های کمی(پرسشنامه و...) برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده نموده‌اند و در کمتر مواردی از روش‌های کیفی استفاده شده است.

مبانی و چارچوب نظری

ارزیابی به‌عنوان یکی از روش‌های بررسی طرح‌های توسعه مناطق روستایی مطرح و مدنظر قرارگرفته است. ارزیابی به‌عنوان یکی از شیوه‌های بررسی طرح‌های توسعه معمولاً در دو برهه زمانی می‌تواند مورد توجه قرارگیرد: ۱– در زمان اجرای برنامه ۲– در پایان و به‌منظور ارزیابی آثار و پیامدهای برنامه. در ارزیابی، فرایند پیش‌بینی و تحلیل جریاناتی که در اثر مدیریت یا اقدامات سیاست‌گذارانه به‌وجود می‌آید براساس راهبردهای نظری خاصی مورد توجه قرار می‌گیرد. بدین ترتیب که در ارزیابی معمولاً براساس چارچوب برنامه‌ریزی و راهبردهای عملی، آثار و پیامدهای طرح‌های توسعه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد(ازکیا ، ۱۳۸۷). در تحقیق حاضر نیز با عنایت به دیدگاه‌های حاکم بر توسعه روستایی، دیدگاه موافقان و مخالفان ساماندهی سکونتگاههای روستایی، نقطه نظرات کارشناسان توسعه روستایی در زمینه جابه‌جایی و ادغام روستاها و... در صدد ارزیابی علل ناکامی طرح‌های تجمیع مناطق روستایی برآمده‌ایم.

«یکی از انواع سیاست‌ها در برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی، سیاست اسکان مجدد از طریق جابه‌جایی، ادغام و تجمیع روستاهاست»(رضوانی،۱۳۸۳:۱۸۶). دانشمند سیاسی وارن ون ویکلین می‌گوید که سیاست‌های اسکان مجدد به خوبی می‌توانند منابع بودجه‌ای را بسوی اسکان مجدد سوق دهند و منابع جدیدی نیز به‌وسیله خود پروژه‌ها به‌منظور بهبود بخشیدن به شرایط اقتصادی اسکان‌یافتگان و توانمندسازی آن‌ها برای مشارکت در منافع توسعه ایجاد نمایند(Cernea,1995). «دیدگاه‌ها و نقطه نظرات کارشناسان توسعه روستایی در زمینه جابه‌جایی و ادغام

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

روستاها را براساس کیفیت نگرش بـه موضـوع، از سـه بعد می‌توان بررسی کرد:

– دیدگاه موافق با اجـرای طـرح‌هـای جابـه‌جـایی و ادغام: «بـا نگرشـی صـرفاً مکـانیکی و چشـم‌پوشـی از عواقب اقتصادی و اجتماعی اجرای چنـین طـرح‌هـایی، تنها به ظاهر قضیه می‌پردازند»(رحمتی، ١٣٧٤: ٦٦).

– دیدگاه مخالف جابه‌جایی مکانی جمعیت: «به اعتقـاد صاحبنظران این دیدگاه، روستا دارای یک هویت فیزیکی محض نیست که به سادگی بتوان آن‌را جابه‌جا کـرد و در این صورت نه تنها مشکل حل نخواهد شد، بلکه پیامدها و اثـرات زیانبـاری در زمینـه‌هـای اجتمـاعی، فرهنگـی، اقتصادی و... پدیدار خواهد گشت» (رحمتی ،١٣٧٤: ٦٦).

– دیدگاه سوم دیدگاهی تلفیقی است. این دیدگاه «بـا محـور قـرار دادن توسـعه منطقـه‌ای و ملـی، اجـرای طرح‌های جابه‌جایی و اسـکان مجـدد را در چـارچوب رهیافت توسعه روستایی مورد توجه قرار داده است. در این دیدگاه در وهله نخست تأکید بر حفـظ موجودیـت فعلی روستاها و مکان‌های جمعیتی مـی‌شـود و تنهـا در صورت تضمین حفظ استانداردهای مورد نظر و رعایت معیارهای مناسب، اجرای چنین برنامه‌هایی مجاز شمرده می‌شوند»(رحمتی،١٣٧٤: ٦٦).

از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فضایی و... «در برنامه‌ریزی روستایی، بایـد همـه جنبـه‌هـای اقتصـادی، اجتماعی و فضایی در سازماندهی برنامه‌ها مـورد توجـه قرار بگیرد تا توسـعه و برنامـه‌ریـزی یکپارچـه حاصـل شود»(رکـن الـدین افتخـاری، ١٣٧٣: ٦٥). در رویکـرد کالبدی – فضایی سطح بندی مناطق روستایی و شیوه‌ها و استانداردهای ارائه خدمات به روستاییان مورد توجـه قرار می‌گیرد و توجه به ابعاد کالبـدی- فضـایی در ایـن رویکرد، در مقابل گرایش به ابعاد اجتماعی و اقتصـادی برنامه‌ریزی توسعه روستایی شکل گرفته است. توجه به وضعیت اجتماعی و فرهنگی ساکنان مناطق روسـتایی و تأثیرات خدمات ارائه شـده بـه روسـتاییان در رویکـرد اجتماعی – فرهنگی مورد توجه قرار مـی‌گیـرد. ناکـامی رویکردهای توسـعه روسـتایی کـه بـر جوانـب خـاص توسعه اجتماعی یا اقتصادی یـا نهـادی- کالبـدی تکیـه داشتند و ارزیابی‌های به‌عمل آمـده دربـاره برنامـه‌هـا و طرح‌ها توسعه، باعـث گردیـد تـا از اوایـل دهـه ١٩٧٠ رویکرد توسعه همه جانبه روستایی شکل گیرد. براساس این رویکرد دست یافتن به توسعه روستایی به یک دیـد و نگرش جامع و سیستمی نیاز دارد. نـوع مشـارکت در این رویکرد با توجه بـه همـه جانبـه بـودن آن بایسـتی تمامی مراحل یک طرح یا برنامه را نیز در برگیرد.

در دوره‌های اخیر کمتر حوزه‌ای را می‌توان یافت کـه بحث"مشـارکت"و"نظریـه‌هـای مشـارکت"در آن وارد نشده باشد. «مقوله مشارکت در دیدگاه‌ها و راهبردهـای توسعه روستایی هم به‌منزله هدف و هم به‌عنوان وسـیله مورد توجه بوده است»(رضـوانی، ١٣٨٣: ١٠٨)«توسـعه روستایی بر مبنای مشارکت مردمی از اواخر دهـه ١٩٧٠ و دهه ١٩٨٠ به‌صورت گسترده مطرح شد. تمرکز اصلی نظریات این گروه بر دو اصل"توسعه روستایی یکپارچه به مثابه توسعه ملی"و"مشارکت مردم"مبتنی بود»(حامـد مقـدم، ١٣٧٣: ٢٩٣). از سـوی دیگـر اعتمـاد اجتمـاعی به‌عنـوان یکـی از عناصـر مهـم و تأثیرگـذار در عرصـه مشارکت مطرح می‌باشد. به‌طوری‌که بسته بـه وضـعیت سرمایه‌اجتماعی و میـزان اعتمـاد اجتمـاعی موجـود در جامعه، به‌طور مستقیم میزان مشارکت نیز تغییر خواهـد کرد (پاتنام ، ١٣٨٦ و صمیمی ، ١٣٨٦).

بنابراین به‌طور کلی بایـد گفـت بـا عنایـت بـه اینکـه تحلیل‌های به‌کار رفته پیشـین در بـاب دلایـل شکسـت پروژه‌های تجمیع مناطق روستایی، به‌صورت خواسته یا ناخواسته دچار نـوعی تقلیـل‌گرایـی شـده‌انـد، در ایـن

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

تحقیق با در نظر گرفتن عوامل و متغییرهای بیشتری در زمینه‌های فضایی – کالبدی، اقتصادی و اجتماعی چهارچوب نظری وسیع‌تری در نظر گرفته شده است و با توجه به رویکردهای کالبدی – فضایی، اقتصادی و اجتماعی، راهبرد مشارکت در توسعه روستایی، نظریه‌های مربوط به توسعه روستایی مشارکتی و ... در پی تبیین ارزیابی دلایل شکست پروژه‌های تجمیع مناطق روستایی، برآمده‌ایم.

سئوالات و فرضیات تحقیق

براساس موارد مذکور سئوال اساسی تحقیق حاضر این خواهد بود: دلایل شکست پروژه‌های ساماندهی مناطق روستایی(با تأکید بر پروژه‌های ادغام و تجمیع مناطق روستایی) کدامند؟ و اینکه آیا عوامل و دلایل کالبدی – فضایی، اقتصادی و اجتماعی شکست پروژه‌های تجمیع مناطق روستایی، دارای اهمیت یکسانی هستند؟ و در نهایت اینکه مهمترین دلایل عدم موفقیت طرح‌های تجمیع، به کدامیک از دلایل سه‌گانه فوق مربوط می‌شود؟

به این ترتیب مهمترین فرضیات تحقیق حاضر در قالب ۳ مورد اصلی زیر مطرح می‌گردند:

– به‌نظر می‌رسد ناکامی طرح‌ها به مسائل و موضوعات فیزیکی – کالبدی (تأمین فضای زندگی در محل جدید، عدم تغییر الگوی مسکن جدید ، دسترسی به خدمات زیربنایی و...)، اجتماعی – فرهنگی (دگرگونی الگوی مدیریت روستایی، دگرگونی روابط اجتماعی و...) و اقتصادی (تغییر ساختار شغلی، بالا رفتن هزینه‌های زندگی و کاهش درآمد و...) بستگی دارد.

– به‌نظر می‌رسد باوجود نقش مسائل و موضوعات فیزیکی – کالبدی ، اجتماعی – فرهنگی و اقتصادی در عدم موفقیت طرح‌های تجمیع، بنابر شرایط و وضعیت زمانی و مکانی خاص، این عوامل دارای اهمیت یکسانی نباشند.

– به‌نظر می‌رسد باوجود اهمیت تمامی عوامل فوق، مسائل و موضوعات اجتماعی – فرهنگی به‌عنوان مهمترین دلایل عدم موفقیت طرح‌های تجمیع ایفای نقش می‌نمایند.

روش‌شناسی

با مد نظر قرار دادن روش‌های کمی به‌کار گرفته شده در اکثر تحقیقات پیشین و باعنایت به اینکه مطالعه حاضر بیشتر به‌منظور استفاده از نتایج آن در برنامه‌ریزی‌های آینده مناطق روستایی و... انجام گرفته است و اینکه پی بردن به عمق نظرات و دیدگاه‌های مردم در طرح‌های توسعه مناطق روستایی با در نظر گرفتن سوالات اساسی تحقیق، نیازمند استفاده از روش‌های کیفی می‌باشد؛ لذا از روش کیفی برای انجام تحقیق حاضر استفاده شده است. از سوی دیگر با توجه به اینکه «احتمال بیشتری می‌رود که فرد پاسخگو دیدگاه‌هایش را در مصاحبه‌هایی که طراحی "باز" دارند کامل‌تر بیان کند، تا در مصاحبه‌های استاندارد یا آن‌هایی که با کمک پرسشنامه انجام می‌گیرند». (فلیک، ۱۳۸۷: ۱٦٦). لذا از ابزار (یا تکنیک) مصاحبه‌های نیمه ساخت یافته استفاده شده است.

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل تمامی افراد سرپرست خانوار از میان جمعیت واقعی سه روستای هانی‌گرمله، کیمنه و بیدرواز می‌باشد و با توجه به وضعیت تحقیق حاضر و همه جانبه نگریستن آن، تا حد ممکن دست اندرکاران طرح شهرک شرام در سطح نهادها و دستگاه‌های دولتی نیز شامل جامعه آماری تحقیق حاضر می‌باشند. از سوی دیگر با عنایت به گسترش جامعه آماری تحقیق در سطح چند شهرستان و عدم شناخت کامل جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف[9] یا تئوریک[10] استفاده می‌شود.

حجم نمونه[11] در این تحقیق براساس به حد اشباع رسیدن داده‌ها تعیین گردیده، بدین ترتیب تا زمانی‌که

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

داده‌ها و نتایج به‌دست آمده از مصاحبه‌ها به‌صورت تکراری نباشد نمونه‌گیری ادامه یافته است. در تحقیق حاضر علاوه بر نظرات مخالفین، دیدگاه‌های موافقین و برنامه‌ریزان و دست اندرکاران مستقیم یا غیر مستقیم طرح شهرک شرام نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. بر این اساس ۳۹ مصاحبه سازمان‌نیافته با مخالفین، موافقین و مسئولین و دست اندرکاران مستقیم یا غیر مستقیم طرح شهرک شرام صورت گرفته است. به این ترتیب که با توجه به مخالفت اکثریت مردم با طرح شهرک با ۳۳ نفر از مخالفین، ۳ نفر از موافقین و ۳ نفر از مسئولین و دست اندرکاران مصاحبه‌هایی به‌عمل آمده است. در تحقیق حاضر سعی گردیده براساس معیارهای علمی و اخلاقی از هرگونه جهت‌گیری خاص اجتناب گردیده و به‌صورت کاملاً بی‌طرف و به‌عنوان یک ناظر خارجی مطالب و موضوعات جمع‌آوری و مورد بررسی علمی قرار گیرد و سعی گردیده تا حد ممکن با استفاده از دو روش مقبولیت و انتقال‌پذیری، داده‌ها مورد ارزیابی قرار گیرند.

در این تحقیق جمع‌آوری و تحلیل داده‌های همه مصاحبه‌های پیاده شده، به‌صورت همزمان انجام شده و مصاحبه‌های مذکور به روش تحلیل مقایسه‌ای مداوم و مطابق با روش استرواس و کوربین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند و هر مصاحبه تا حد ممکن قبل از انجام مصاحبه بعدی کدگذاری و تجزیه و تحلیل گردیده و در این راه از سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است.

مشخصات کلی منطقه، روستاها و طرح مورد مطالعه

استان کرمانشاه یکی از استان‌های غربی کشور می‌باشد که از شمال به استان کردستان، از شرق به استان‌های همدان و لرستان، از جنوب به استان ایلام و از غرب به کشور عراق محدود می‌شود. شهرستان پاوه به‌عنوان یکی از ۱٤ شهرستان استان کرمانشاه دارای ٤ شهر با نام‌های پاوه، نودشه، نوسود و باینگان بوده و شهر پاوه مرکز شهرستان می‌باشد. بخش نوسود یکی از بخش‌های سه‌گانه شهرستان پاوه، با مرکزیت شهر نوسود می‌باشد. در سرشماری سال ۱۳۸۵ بخش نوسود دارای ۲ شهر به نام‌های نودشه و نوسود، یک دهستان به نام سیروان و ۱۷ آبادی بوده است.

اهالی ۳ روستا مورد تحقیق به‌صورت متناوب در خلال سال‌های ۱۳۵۸ ، ۱۳۵۹ و ۱۳٦۰ مجبور به ترک روستاهای خود شده‌اند. بعد از پایان جنگ و به‌دلیل اطمینان از عدم کسب اجازه بازگشت به روستاهای اصلی خود، در فواصل سال‌های ۱۳٦۵ الی ۱۳۷۵ به‌طور متناوب شروع به ساخت مسکن و اسکان تقریباً دائمی در سطح شهرستان‌های پاوه و مریوان نمودند.

بعد از اتمام جنگ تحمیلی و در سال ۱۳۷٤ طرح شهرک شرام جهت تجمیع روستاهای هانی گرمله، کیمنه و بیدرواز در محلی جدید، ارائه گردید. بعد از تعیین محل شهرک و پیش‌بینی تأمین آب آن(منطقه مارانی به‌عنوان محل شهرک شرام، و پیش‌بینی تأمین آب آن از خرخره)، در پاییز سال ۱۳۷٤ کار نقشه برداری شهرک مزبور با کمک ۲ مؤسسه مهندسین مشاور نقشه‌برداری و یک موسسه طراحی نقشه، به‌صورت تهیه طرح بافت فیزیکی توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی آغاز گردید. در زمستان ۱۳۷٤ و بهار سال ۱۳۷۵ تهیه طرح بافت فیزیکی، تهیه معابر و پیش‌بینی ارائه خدمات به اتمام رسید و در خرداد سال ۱۳۷۵ عملاً افتتاح گردید. در این شهرک محل هر یک از روستاهای جنگزده با توجه به دوری و نزدیکی به باغات و زمین‌های زراعی هر یک از روستاها معیّن شد و ظاهراً قطعه‌های زمین واگذار شده به مردم از ۱۵۰ تا ۲۰۰ مترمربع بوده است. در مجموع برای شهرک شرام ۲٦ خانوار از اهالی روستاهای هانی‌گرمله و کیمنه(۲

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

خانوار)[در روستای بیدرواز کسی متقاضی دریافت زمین برای اسکان نشده است] متقاضی دریافت زمین و ساخت مسکن شده و شروع به کار نمودند و در ادامه غیر از ۳ واحد مسکونی که تکمیل گردید و متقاضیان در آن‌ها اسکان یافتند، بقیه نهایتاً کار خود را تا پی‌کنی واحد مسکونی دنبال و سپس آن‌را رها نمودند.

یافته‌های تحقیق

در تحقیق حاضر تعداد ۳۹ مصاحبه عمیق و نیمه ساختار یافته صورت پذیرفته و از میان مصاحبه‌شوندگان به تناسب جمعیت روستاها با ۱۵ نفر از اهالی هانی‌گرمله (۲ نفر از آن‌ها مخالف)، ۱۲ نفر از اهالی کیمنه (۱ نفر از آن‌ها مخالف) و ۹ نفر از اهالی بیدرواز و ۳ نفر از برنامه ریزان و دست اندرکاران طرح شهرک با میانگین سنی ٥٤ سال مصاحبه شده است. در این میان، محل سکونت ۱۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان شهر مریوان (مرکز شهرستان مریوان در استان کردستان)، ۱۱ نفر شهر پاوه (مرکز شهرستان پاوه در استان کرمانشاه)، ٤ نفر روستای چورژی(از توابع بخش مرکزی شهرستان پاوه)، ۳ نفر روستای هانی‌گرمله (از توابع بخش نوسود شهرستان پاوه)، ۳ نفر روستای قلعه جی (از شهرستان سرو آباد در استان کردستان)، و ۳ نفر روستای کانی دینار (از توابع بخش مرکزی شهرستان مریوان) بوده است. از نظر سطح سواد و تحصیلات مصاحبه‌شوندگان ۵ نفر لیسانس، ۹ نفر فوق دیپلم، ۸ نفر دیپلم، ٤ نفر سیکل، ۸ نفر ابتدایی و ۵ نفر بی سواد بوده‌اند.

براساس یافته‌های تحقیق می‌توان گفت که مسائل و مشکلات اجتماعی یکی از مهمترین دلایل و علل ناکامی طرح شهرک شرام بوده است که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان، به‌وجود آمدن مسائل و مشکلات اجتماعی را مرتبط با مشکلات جنگ، آوارگی و مهاجرت مردم و روستائیان به سایر نواحی می‌دانستند. یعنی عملاً اگر طرح شهرک بعد از جنگ به‌صورت فوری ارائه می‌شد و یا اگر روستاها بعد از جنگ تحمیلی بدون فوت زمان بازسازی می‌شدند قطعاً امکان موفقیت و بازگشت مردم به روستاها بسیار بیشتر از زمان ارائه طرح شهرک شرام بود.

در اکثریت موارد مصاحبه‌شوندگان وجود فرهنگ مشارکتی میان اهالی این سه روستا را تأیید نموده‌اند و در سطح خرد نیز می‌توان مصادیقی از مشارکت را در میان روستائیان مشاهده نمود و وجود چنین روحیه‌ای عملاً در میان روستائیان به‌صورت مستقیم و یا غیر مستقیم می‌توانست در موفقیت طرح شهرک تأثیرگذار باشد و برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران طرح شهرک می‌توانستند مراحل را آن‌چنان برنامه‌ریزی نمایند که از این روحیه مشارکتی مردم نهایت استفاده را بنمایند.

از سوی دیگر یکی از مهمترین جنبه‌های طرح شهرک شرام ابعاد اقتصادی قضیه بوده است. در این رابطه دو جنبه اصلی که مورد نظر مصاحبه‌شوندگان بوده‌اند عبارتند از: ۱-فقر و ناتوانی اقتصادی روستاییان، ۲- کمبود کمک‌ها و مساعدت‌های دولتی به روستاییان جنگزده.

وضعیت فیزیکی ــ کالبدی شهرک نیز دارای مزایا و موانعی در راه طرح شهرک شرام بود. بدین معنا که ایجاد تغییرات در ساخت و بافت فیزیکی واحدهای مسکونی در شهرک به‌عنوان نماد بارز تغییرات فضایی - کالبدی برخی منافع و مزایا را برای روستائیان به ارمغان می‌آورد و از سوی دیگر برخی موانع را بر سر راه طرح شهرک ایجاد می‌نمود و نهایتاً (براساس نظر مصاحبه‌شوندگان) این موانع ایجاد شده بر مزایا و منافع به‌وجود آمده، غالب گردیدند.

در ابتدا باید گفت که موافقین طرح نیز مانند مخالفین بر وضعیت روابط و مناسبات حاکم در بین روستاییان

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

قبل از آوارگی اتفاق نظر داشته‌اند. آنچه جای تأمل است اینکه موافقین طرح نیز بسیاری از علل و عوامل مؤثر بر ناکامی طرح شهرک را تأیید و تکرار نموده‌اند، و دلیل اینچنین موردی را باید بر ناچاری موافقین بر اسکان در شهرک جستجو نمود. به‌طوری‌که وضعیت نامناسب اقتصادی، اجتماعی و... این افراد در زمان آوارگی باعث قبول زندگی و اسکان در هر جایی از منطقه خود، حتی شهرک شرام شده است!

در مصاحبه‌های به‌عمل آمده با مسئولین و دست‌اندرکاران، هدف اصلی از ارائه چنین طرحی و تجمیع ۳ روستا در مرحله اول تجمیع خدمات و امکانات برای روستاییان و ارائه آن به‌صورت مناسب و مطلوب‌تر و در مرحله بعد تأمین امنیت بیشتر برای روستاییان، عنوان شده است. براساس یافته‌ها سعی و تلاش مسئولین و دست اندرکاران بر توجیه طرح و کارهای انجام شده برای آن بوده است. هر چند برخی از توجیهات آن‌ها نیز منطقی بوده و در برنامه‌ریزی طرح کمتر به زمینه های اجتماعی – فرهنگی توجه داشته اند، ولی به‌طور کلی دلایل و مشکلات شکست طرح شهرک را در وهله اول در قالب مشکلات فرهنگی- اجتماعی مردم دیده‌اند و در ادامه به جنبه‌های اقتصادی قضیه اشاره نموده‌اند و سایر موارد و مشکلات را چندان دخیل ندانسته‌اند.

به‌طور کلی براساس یافته‌های تحقیق حاضر و براساس تجزیه و تحلیل‌های به‌عمل‌آمده می‌توان دلایل و عوامل ناکامی طرح شهرک شرام، از نظر مخالفین، موافقین و دست اندرکاران را به شرح زیر بیان نمود:

عوامل اجتماعی- فرهنگی

براساس یافته‌های تحقیق مردم این روستاها و دیگر مناطق اورامان دارای خصوصیات فرهنگی و اخلاقی مشترکی بوده‌اند، اما به‌وجود آمدن بسیاری از مسائل و مشکلات در یک محدوده جغرافیایی مشخص و مستقل به نام شهرک امکانپذیر بود؛ بدین معنا که اگر استقلال یک فرد روستایی سلب می‌شد رفتار آن‌ها قابل پیش‌بینی نبود. ساختارشکنی در جوامع سنتی بسیار مشکل است، ولی از سوی دیگر با فرهنگ و کارکردهای جدید در آن محیط زندگی کردن نیز بسیار دشوار است. طرح شهرک نیز عملاً به‌دلیل مواجه ساختن مردم با ساختارشکنی‌های اجباری و ایجاد برخی ساختارهای جدید باعث بروز مشکلاتی از این قبیل می‌شد. به‌طور کلی براساس یافته‌های تحقیق حاضر عوامل اجتماعی- فرهنگی ناکامی طرح شهرک عبارتند از :

۱. به‌وجود آمدن اختلافات و ناهنجاری‌ها در میان روستاییان؛ به‌دلیل تجمیع روستاییان در یک مکان.

۲. مشکلات در انتخاب شورا یا نمایندگان غیررسمی و اختلاف نظر بین اعضای شورا یا نمایندگان.

۳. عدم مشخص بودن مالکیت زمین شهرک (از قدیم بر سر آن اختلاف بوده است).

٤. سلب استقلال روستاییان و احساس عدم تعلق و عدم وابستگی عاطفی به محل شهرک (احساس غربت کردن).

۵. انس و الفت، علقه های فرهنگی و وابستگی مردم به روستاهای اصلی و زادگاه آباء و اجدادی خود.

٦. عدم تمایل به مسئله شهرک‌نشینی و محل انتخاب شده برای شهرک.

۷. اختلاف بر سر تملک مرتع و مکان‌های جدید در محل شهرک، منابع آبی و آب زراعی و... .

۸. انتخاب خودسرانه محل شهرک از سوی برخی از برنامه‌ریزان و ترغیب مردم برای خانه‌سازی.

۹. دخالت برخی روستاییان فرصت‌طلب در جریان انتخاب محل شهرک.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

۱۰. عدم لحاظ آینده‌نگری و پیش‌بینی آینده و عواقب کار برای طرح شهرک.

۱۱. عدم هماهنگی و فاصله بین برخی برنامه‌ریزان و مردم، به‌دلیل عدم وجود صداقت و اعتماد فیمابین.

عوامل اقتصادی

در رابطه با عوامل اقتصادی مصاحبه‌شوندگان به‌صورت کامل اتفاق نظر داشتند که بعد از جنگ ۹۰ درصد واحدهای مسکونی و باغات و مزارع تخریب شده بود. آن‌چنان که واضح است این چنین تخریبی بیشتر به‌دلیل جنگ، ۱۵ سال دوری از منطقه و عدم مراقبت از باغات مراتع و واحدهای مسکونی صورت گرفته است. در نهایت چنین مجموعه دلایلی با نابود شدن تمامی امکانات و خدمات زیربنایی قبلی روستاها (آب، برق، لوله‌کشی، مدرسه، مسجد، حمام و...)، لم‌یزرع شدن زمین‌ها، تخریب باغ‌ها و تاکستان‌ها، از بین رفتن شبکه‌های آبیاری، تخریب واحدهای مسکونی و...، باعث تحمیل خسارات ۱۰۰ درصدی به منطقه شده‌اند. به‌طور کلی براساس یافته‌های تحقیق حاضر عوامل اقتصادی ناکامی طرح شهرک عبارتند از:

۱. فقر و کم توانی اقتصادی و در کل وضعیت نامناسب مالی مردم، به‌وجود آمدن مشکلات اقتصادی و از دست دادن اشتغال و منابع درآمدی سابق روستاییان.

۲. کمبود فضای مناسب برای فعالیت‌های باغداری و دامداری و دیگر مسائل مرتبط مثلاً بالا رفتن هزینه نگهداری باغات، عدم دسترسی به مرتع و... .

۳. مشکلات آبیاری باغات و بی‌اطلاعی روستاییان از وضعیت کاشت، داشت و برداشت.

٤. محدود بودن کمک‌های دولتی، مثلاً کم بودن خسارات پرداختی و... .

۵. هزینه‌های بالای ایاب و ذهاب به روستاهای اصلی و آمد و رفت به باغات، مزارع و مراتع.

٦. اتلاف وقت مردم در سرکشی از باغات و مراتع، یا رفت و آمد به روستاهای اصلی(به‌صرفه نبودن).

عوامل کالبدی- فضایی

دلایل و موانع فضایی – کالبدی نیز در کنار سایر دلایل نقشی عمده و اصلی در ناکامی طرح شهرک شرام ایفا نموده است. این اهمیت زمانی آشکار می‌شود که برنامه‌ریزان و دست اندرکاران وقت از ابتدا چنین توجیهات و دلایلی را برای طرح شهرک متصور شده بودند، ولی هر چند در سطح ظاهری چنین تأکیدی نمایان بوده است اما با توجه به تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های به‌عمل آمده، مشخص می‌شود که چنین تأکیدی در بطن و واقعیت قضیه چندان مطرح نبوده است؛ به‌طوری‌که با مدنظر قرار دادن دانش بومی روستاییان در این زمینه می‌توان برخی از توجیهات کارشناسان فنی طرح را معیوب دانست. برخی از مشکلاتی که در این رابطه بیشتر به آن‌ها اشاره شده است عبارتند از: ۱- از لحاظ زمین‌شناسی همه ساله سطح وسیعی از زمین محل شهرک تحت تأثیر رانش زمین قرار می‌گرفته است ۲- از محل کسب و کار که باغات و زمین‌های کشاورزی، مراتع و... می‌باشد دور بوده و کشاورز روستایی در هنگام رفتن و مراجعه به خانه حداقل ۲ ساعت از وقت خود را تلف شده می‌دید. ۳- افراد کهنسال که علاقه‌ای زیاد به باغداری داشتند درآمد و رفت مشکل پیدا می‌کردند ٤- مشکلات خدمات عمومی، آب آشامیدنی و تهیه آن.

به‌طور کلی براساس یافته‌های تحقیق حاضر در این زمینه نیز عوامل ناکامی طرح شهرک عبارتند از:

۱. موقعیت جغرافیایی نامناسب محل شهرک، مثلاً موقعیت کوهستانی برف‌گیر و شیب نامناسب آن.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

۲. مجاورت با مرز و مسائل مرزی ناشی از آن.
۳. نبود زمین مناسب برای فعالیت‌های باغداری و دامداری.
٤. مشکلات زمین‌شناختی و رانش زمین و نامناسب بودن برای ساخت‌وساز.
۵. نبود فضای گردشگری و از بین رفتن مناظر زیبای طبیعی روستاهای اصلی.
٦. دوری از معادن و مصالح ساختمانی بومی، مثلاً معادن سنگ ساختمانی.
۷. مشکلات در تقسیم امکانات و خدمات اساسی آموزشی، بهداشتی.
۸. کمبود آب و مشکل تأمین آب شرب و آب زراعی
۹. اجبار در مقاوم سازی واحدهای مسکونی.
۱۰. کمبود مساحت زمین شهرک و عدم فضای لازم برای استقرار جمعیت روستاها و زیربنای کم واحدهای مسکونی.
۱۱. نداشتن فضای لازم جهت توسعه شهرک در آینده.

نتیجه

براساس تحقیق به‌عمل آمده، طرح شهرک برای روستاهای منطقه مورد تحقیق روشی نامناسب بوده‌است. زیرا در این روستاها مردم به خاطر باغداری و دامداری باید نزدیکترین نقطه را برای اسکان خود انتخاب کنند. چون مردم به خاطر بازسازی باغات و کشاورزی و دامداری که شغل اصلی شان بوده به روستاهای اصلی خویش باز می‌گردند و این کارها در شهرک انجام نمی‌گیرد لذا چنین زندگی پرمشغله‌ای با ماهیت شهرک‌سازی و ادغام و تجمیع روستاییان متناقض است.

به‌طور کلی اشتراکات فرهنگی و اجتماعی بین روستاییان هر سه روستا و وضعیت روابط و مناسبات مطلوب فیمابین آن‌ها در دوران قبل از جنگ و آوارگی را نمی‌توان انکار نمود. لیکن دلیل اینکه با چنین وضعیتی موانع اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان یکی از اجزای مهم در شکست طرح ایفای نقش نمودند را باید به گذر زمان و آوارگی روستاییان در سطح مناطق و شهرستان‌های مختلف و نهایتاً آشنایی و تأثیر گرفتن آن‌ها از آداب و رسوم آن مناطق نسبت داد لذا باید گفت اگر چه در طول زمان تمامی جوامع، تحت تأثیر تغییر و تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... قرار خواهند گرفت و این تغییرات جزو اصول و خصایص ذاتی هر فرهنگ و جامعه‌ای می‌باشد، لیکن تغییر و تحولات ایجاد شده بر اثر ادغام و تجمیع روستاییان در مکان خاصی عملاً به‌صورتی سریعتر و غیر قابل پیش‌بینی‌تر نمایان می‌شوند و باعث تأثیرپذیری منفی روستاییان از چنین وضعیتی می‌شود.

از جمله مهمترین مشکلات موجود در طرح شهرک در نظر نگرفتن ابعاد و شیوه زندگی و به‌طور کلی فقدان درکی کامل و درست از روستاییان، از سوی برخی برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران بوده است. بدین‌ترتیب فقدان یک نگرش سیستمی در زمینه بازسازی و ادغام و تجمیع روستاییان از مهمترین علل ناکامی طرح بوده، که لزوم به‌کارگیری چنین نگرشی را تبیین و توجیه می‌نماید. روستاییان از گذشته‌های دور از همه شرایط و عوامل محیطی، طبیعی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و... برای سکنی‌گزیدن و انتخاب محل زندگی بهره گرفته و خواهند گرفت. بر این اساس ناصواب خواهد بود اگر برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران بدون شناخت کافی در جمیع جهات نسبت به پیشبرد طرح‌های خود اقدام نمایند و همچنان که در تحقیق حاضر مشخص گردید اگر چنین روشی پیش گرفته شود، سرمایه‌گذاری‌های انجام شده علاوه بر اینکه باعث

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

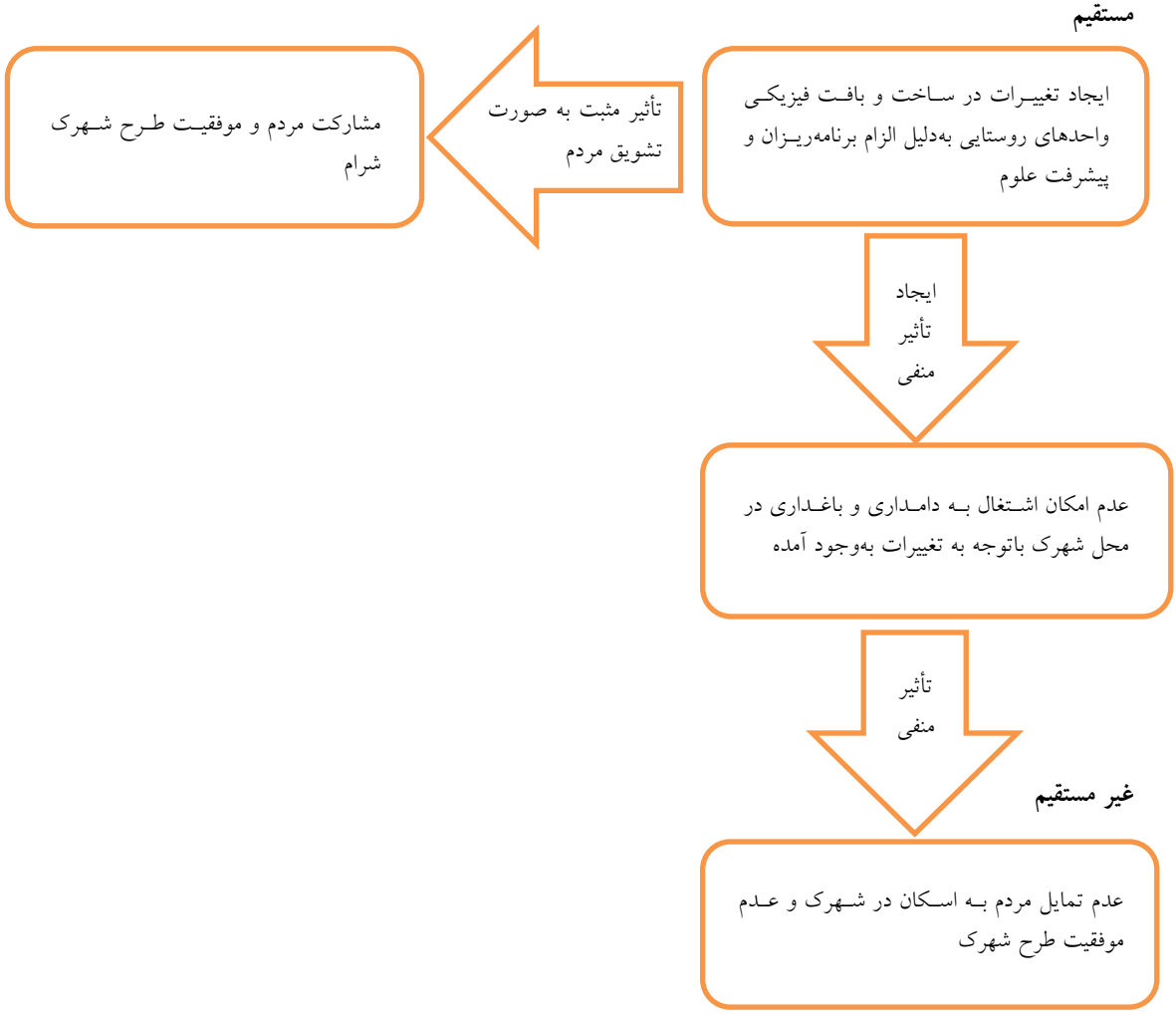
ایجاد تغییراتی فضایی- کالبدی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی (از جمله تغییر شکل و معماری واحدهای مسکونی، از بین‌رفتن برخی آداب و رسوم‌ها، تغییر در شیوه‌های مختلف زندگی و وضعیت معیشت خانواده‌ها و...) در ابعاد مختلف زندگی روستاییان می‌شود، به نتیجه مطلوب و مناسبی نیز نخواهند رسید و از همه مهمتر روستاییان نیز از چنین وضعیتی ناراضی خواهند بود.

در رابطه با علل و عوامل اقتصادی می‌توان گفت تفاوت در وضعیت اقتصادی و جایگاه اجتماعی و فرهنگی مصاحبه‌شوندگان در چگونگی ارزیابی طرح شهرک نیز تأثیر گذار بوده است. مثلاً کسانی که دارای شغل دولتی بوده و جایگاه اجتماعی مطلوبی داشته‌اند، کمتر بر روی مسائل و مشکلات اقتصادی پیش‌روی طرح شهرک تأکید می‌کردند. با در نظر گرفتن اینکه روستاییان قبل از جنگ بدون نیاز به کمک‌های گسترده تا حدودی دارای ثبات اقتصادی بوده‌اند؛ یکی از اصلی‌ترین موضوعات نادیده گرفته شده در این طرح مسئله چگونگی تأمین معیشت روستاییان در شهرک بود، به‌طوری‌که با فرض در نظر گرفتن تأمین معیشت آنان از طریق احیای باغ‌ها و مزارع قدیمی و اشتغال به فعالیت‌های دامداری در روستاهای اصلی، عملاً با عنایت به دور بودن محل زندگی از محل کسب و کار این روش برای رفع چنان مشکلی چندان مطمئن به‌نظر نمی‌رسید. علاوه بر این در مورد علل و عوامل اقتصادی چندین نکته که تناقضات موجود در جریان طرح را مشخص می‌سازد قابل توجه می‌باشد. اولاً: باید قبول نمود که تنها منبع درآمد روستاییان باغات و مزارعی بوده که حاصل تلاش و زحمت سالیان دراز خود روستائیان و یا پدرانشان بوده و دل کندن از آن‌ها غیر ممکن بوده است. ثانیاً: اگر قرار باشد روستاییان برای امرار معاش خود همچنان به باغات و مزارع خود وابسته باشند عملاً برای بازسازی و آبادکردن آن‌ها می‌بایست در نقطه صفر مرزی حضور داشته باشند، در نتیجه دور کردن محل سکونت از محل کسب درآمد و برداشت محصول، تنها زحمت روستائیان را افزایش می‌دهد و به این شکل خواست برخی از مسئولین مبنی بر خالی کردن مرز از سکنه تحقق نمی‌یابد. ثالثاً: اگر خواست برنامه‌ریزان این بوده که روستائیان را به محلی دورتر از محل سکونت قبلی خود منتقل کنند به‌طوری‌که هیچگونه ارتباطی با باغات و مزارع نداشته باشند، می‌بایست تأمین معیشت روستائیان و درآمد قابل قبول خانوار را تضمین می‌کردند، در حالی‌که چنین تضمینی که روستائیان را قانع کند به هیچ عنوان وجود نداشت.

در طرح شهرک یکی از مواردی که برای آن برنامه‌ریزی‌های بیشتری صورت گرفته بود، بعد فضایی- کالبدی آن بوده است. شور و نشاط زندگی اجتماعی در روستا، خودکفایی نسبی اقتصادی و... تماماً به‌عنوان محرکی محسوب می‌شوند که ادغام و تجمیع روستاها باعث تخریب آن می‌شود. بنابراین روستایی هرگز چنین وضعیتی را نخواهد پذیرفت. باید پذیرفت که از نظر روستاییان واحد مسکونی ایده‌آل واحدی نیست که براساس وضعیت روز و سبک‌های جدید ساخت‌وساز بنا گردد، بلکه روستایی واحدی را می‌خواهد که مطابق با نیازهای روزانه زندگی وی باشد. بنابراین دخالت‌های روستاییان و حساسیت‌های آنان را مورد توجه قرار دادن باید به‌صورتی پویا در طول طرح مدنظر قرار گیرد. به‌طور کلی باید گفت که ایجاد تغییرات در ساخت و بافت فیزیکی واحدهای مسکونی به‌عنوان یکی از عوامل عدم موفقیت طرح شهرک شرام مطرح بوده، ولی نباید از یاد برد که تأثیر چنین عواملی به‌صورت غیرمستقیم بوده‌است، یعنی تغییرات به‌وجود آمده در ساخت و بافت فیزیکی عملاً باعث ایجاد

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

تغییرات در ساختارهای اشتغال و اقتصادی مردم می‌شد و بر این اساس مردم نیز حاضر به قبول چنین وضعیتی نمی‌شدند. چه بسا اگر تغییرات به‌وجود آمده تنها مختص به وضعیت فضایی و کالبدی روستاها می‌شد، روستائیان از آن استقبال می‌نمودند، ولی تأثیر غیر مستقیم چنین تغییراتی بر وضعیت اقتصادی و اشتغال روستائیان به‌عنوان دلیل اصلی چنین مخالفتی مطرح بود (نمودار شماره ۱).



ن ۱. تأثیر مستقیم و غیر مستقیم علل فیزیکی و کالبدی بر شکست طرح شهرک.

در نهایت باید گفت تکیه بر یکی از ابعاد فوق در مسئله تجمیع، کارساز نیست و هر نوع اقدامی در این زمینه با ناکامی مواجه خواهد شد و از هر جنبه‌ای قضیه بازسازی و ادغام و تجمیع مناطق روستایی را مورد توجه قراردهیم متوجه خواهیم شد که دارای ابعاد پیچیده‌ای می‌باشد. لذا آنچه لازم است در تهیه چنین

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

طرح‌هایی مورد توجه قرار گیرد عبارتند از:

۱. روابط، پیوندها و تعاملات اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی روستاییان.

۲. خصایص و ویژگی‌های محلی روستاییان به‌لحاظ معیشتی، شغلی، فرهنگی و ... .

۳. ویژگی‌های محیطی و کالبدی – فضایی محل سکونت روستاییان در گذشته، حال و آینده.

بدین ترتیب در ارتباط با فرضیات اولیه تحقیق مشخص گردید که:

۱. باوجود اینکه علل و عوامل فضایی- کالبدی تنها عواملی هستند که در پاره‌ای جهات وضعیت مطلوبی برای روستاییان فراهم نموده‌اند، لیکن به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم به‌عنوان یکی از ابعاد ناکامی طرح‌های ادغام و تجمیع ایفای نقش می‌کنند. بدین ترتیب در نگاه اول دلایل و عوامل فضایی- کالبدی به‌دلیل ویژگی‌های بارز و شاخص‌بودن آن‌ها بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند.

۲. علل و عوامل اجتماعی- فرهنگی با توجه به خصلت نرم‌افزاری و لزوم گذشت زمان برای نمایان شدن آثارشان، به‌عنوان ظریفترین و در عین حال مهمترین دلایل ناکامی طرح‌های ادغام و تجمیع مطرح می‌باشند. به‌طوری‌که اینگونه دلایل باوجود اینکه کمتر شکل عینی و ملموسی دارند، لیکن به‌عنوان مهمترین عامل، نقش تردیدناپذیر و غیر قابل انکاری را در ناکامی طرح‌ها ایفا می‌نمایند.

۳. علاوه بر فقر و ناتوانی اقتصادی روستاییان، علل و عوامل اقتصادی در ناکامی طرح شهرک تأثیر بسزایی داشته‌اند. این عوامل به‌دلیل ارتباط و تأثیرگذاری مستقیم آن‌ها بر وضعیت معیشت، گذران زندگی و نیازهای اساسی روستاییان از جمله علل اساسی ناکامی طرح‌ها می‌باشند.

با توجه به موارد فوق تمامی جنبه‌ها و دلایل مطرح شده اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، فضایی- کالبدی و... در ناکامی طرح‌های ادغام و تجمیع دخیل می‌باشند و تفاوت آن‌ها در میزان و شدت این تأثیرگذاری می‌باشد، به‌طوری‌که در این میان علل و عوامل اجتماعی- فرهنگی نقش اصلی و مهم را ایفا می‌نمایند.

پی‌نوشت

1. Combining
2. Regularising
3. Shram district
4. Hani garmelah
5. Bidarwaz
6. Kaimenah
7. Paveh township
8. Replacement
9. Purpose ful
10. Theoretical
11. Sample Size

فهرست منابع

- ازکیا، مصطفی؛ زارع، عادل؛ ایمانی، علی. (۱۳۸۷)، رهیافت‌ها و روش‌های تحقیق کیفی در توسعه روستایی، تهران، نشر نی، چاپ اول.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا.(۱۳۸٤)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان، چاپ پنجم.
- ادیب حاج باقری، محسن؛ پرویزی، سرور؛ صلصالی، مهوش. (۱۳۸٦)، روش‌های تحقیق کیفی، تهران، انتشارات بشری، چاپ اول.
- افراخته، حسن. (۱۳۷٦)، ارزیابی نتایج حاصله از اجرای طرح‌های ساماندهی روستایی در کشور «مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان»، مجموعه مقالات اولین سمینار روستاهای پراکنده (صص ۸٦ – ۹۸)، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- آسایش، حسین. (۱۳۷۹)، برنامه‌ریزی روستایی در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ سوم.
- بلیکی، نورمن. (۱۳۸٤)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشرنی، چاپ اول.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

– پاتنام، رابرت؛ کلمن، جیمز؛ اُفه، کلاوس– بوردیو، پیر؛ فوکویاما، فرانسیس و دیگران. (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، ترجمه افشین خاکباز و حسین پویان، به کوشش کیان تاجبخش، تهران، نشر شیرازه، چاپ دوم.
– حامد مقدم، احمد. (۱۳۷۳)، مشارکت و توسعه مشارکتی روستایی، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه(جلد دوم)، صص ۲۸۵–۳۱۳، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
– رحمتی، محمد مهدی. (۱۳۷۵)، ادغام روستاها و دگرگونیهای اجتماعی – اقتصادی ناشی از آن، مورد: روستاهای زلزله‌زده رودبار و منجیل، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
– رضوانی، محمد رضا. (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران، نشر قومس.
– صفابخش، محسن. (۱۳۷۲)، الگوهای اسکان جمعیت، نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره سوم(٦)، جلد دوم، صص ۱۹۲ – ۲۳٦.
– صمیمی، احمد. (۱۳۸٦)، سرمایه‌اجتماعی و توسعه، مجموعه مقالات همایش سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، چاپ اول، صص۱٦۷–۱٦۸.
– طالب، مهدی. (۱۳۷٦)، مدیریت روستایی در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
– فلیک، اووه. (۱۳۸۷)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی، چاپ اول.
– گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
– مردای، صباح. (۱۳۷٦)، روند جابه‌جایی و ادغام روستاها و پیامدهای آن(مورد: شهرستان پاوه)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی.
-Cernea.M.Michael(1995)Literature on development-induced displasment and resettlement,The world bank publications.(http://www.fmreview.org/FMRpdfs/FMR12/fmr12.5.pdf)

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]